

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آزاد ل.

۱۹ اگست ۲۰۱۲

قابل توجه شخصی به نام "پولاد"

آقای پولاد!! نوشته‌های شما را در چند سایت تا یک اندازه‌ای تعقیب نمودم اما از این که مبنای انسانی و عقلانیت نداشته و صرف غرض اهانت و کشتن شخصیت‌های مبارزاتی و انسانی کشور به رشته تحریر در آمده است از ادامه مطالعه همه آنها منصرف شدم، فقط خواستم توسط این نوشته خدمت گردانندگان عزیز این پورتال مخصوصاً آقای "موسوی" به عرض برسانم که لازم نیست آنها وقت گرانبهای خود را صرف دفاع از نوشته‌های اتهامی و غرض آلودی سرو پای شما به اصطلاح (پولاد) بدارند. بنده حاضرم این صحبت را به هر شکلی که شما خواسته باشید چه از آدرس خصوصی (که البته گردانندگان پورتال گرانمایه آدرس ایمیل مرا خدمت تا ن خواهد گذاشت - در صورتی که لازم دانند-) و چی از دریچه همین پورتال با شما ادامه دهم.

مخصوصاً این که نوشته قبلی شما را به ارتباط نوشته ارجمند گرامی و نویسند ای نازنین وطن آقای "خالق داد یغمانی" که الحق شرافت و وجدان والائی دارند و من نا دیده و نا شناخته بر جرأت و شهامت شان سر تعظیم فرود می آورم خواندم و عکس العمل شما در مقابل پنیر هالندی و (ستالین) جالب بود و مرا خیلی مشغول داشت مخصوصاً این که شما در قبال نوشته ایشان در (مورد پنیر هالندی) عکس العمل منفی نشان داده و به اصطلاح در افشانی نموده‌اید و ادارم ساخت تا بنویسم که بیا باهم باشیم و بنویسیم ساده و بی آرایش. بدون استعمال ایسم و سیسم!!؟ و آنچه اتفاق افتاده چی شعوری و یا غیر شعوری!! من غرض جرو بحث سیاسی، سازمانی، شما را انتخاب نمودم و اگر مایل نباشید می توانید کنج عزلتی بر گزیده (ترس خدا رابهانه سازید) نمی شود امروز هر کسی را که انقلابی نوشت و اسم خود را نوعی از انواع "پولاد" گذاشت، احترام نمود؟؟

پولاد هائی بودند که بعد از اندک زمانی با ورود به دروازه خاد، توبه نمودند. پشیمان شدند و آنوقت فهمیدند که اگر بچه انسان باید بود و انسانی باید مبارزه نمود. پای زندان هم باید نشست و حتی به کشتار گاه هم باید رفت!!؟؟ و این کاری بود که از آن‌ها ساخته نبود و بیچاره ها در پی آنچه بودند فهمیدند اما دیرتر فهمیدند!! **کلاه نمدی** پوشیدند و موجودی چاپلوس و بی وجدان و مدیحه سرا از خود ساختند تا باشد در مقابل خدمتی در مقابل زورگویان لقمه‌ای به آن‌ها هم برسد!!؟؟

پولاد هائی بودند که بی وجدانانه از (سبز) به زرد یعنی نوکر گرائی، چا پلوسی و سگ بودن گرویده و تبدیل شدند و اگر خودت با مطبوعات (مطبوعات همه جانبه نه مطبوعات خصوصی شما و بادران تان) سرو کار داشته باشی و طوری که معلوم می‌شود داری (البته به شیوه آقای کوشانی - و سر باز آزادی «باقی سمندر» و چند بی سرو پای دیگر) آنها را بیشتر و بهتر از من می‌شناسی و شاید هم همکار شان باشی؟؟ من نمی دانم فقط ببین آقای پولاد!! از هر دریچه ای که خواسته باشی من حاضرم با تو شخصا با تو هر کسی که هستی و در هر چوکاتی که خود را تبارز دهی حاضرم در هر مورد (حتی واقعات سالهای 1343 به بعد) به ارتباط جوانان مترقی و جنبش های بعدی آن صحبت نمایم. شاهد و تحلیل گر ادعاهای من و تو هزاران و شاید صد ها هزار هموطن باشد!! تا حقیقت های مکتوم به ارتباط جنبش های مترقی و انسانی از پرده بیرون افتد در غیر آن بگذار نوشته های مبارز نستوه و جان به سیر ما "موسوی" تمام شود؟؟ قابل تأمل است که چرا همه می خواهید، کارش انجام نیاید و از آن گذشته به پیروی از شبنامه نویس تلاش می ورزید تا زمینه ای فراهم نمایند تا محبوس گردد؟؟ و یا هم به مشوره شما با بادران تان به دار آویخته شود بعد بگو او هم مرتجع بود!! شاید این آرزو را بر آورده نتوانی چون با مرگ و نابودی جسمی شخصیتی مثل "موسوی" هزاران دیگر وجود می یابند و یافته اند. تن غافل تو!!؟؟

چون صحبت از مرتجع شد باید به عرض برسانم که در زمان های قدیم آقای میوند وال صدراعظم افغانستان بعد از دوره صدارت شان چند کنفرانس مطبوعاتی ترتیب دادند که در یکی از آنها هم بنده را منحیث..... دعوت نموده بودند. خلاصه در جریان صحبت و کنفرانس شروعی آقای میوندوال چند بار از کلمه مرتجع استفاده نموده و تکرار نمودند اما من حق اعتراض اولین را به شخصی بنام یوسف فرند که مدیر مسؤل جریده ای به نام روز کار و یا (اسم آن جریده را فراموش نموده ام) بود گذاشتم چون جناب شان در ظاهر امر از کلمه مرتجع بدش می آمد و از این که ایشان جوابی و نظری در این مورد ندادند ارادت مند شما برای وضاحت موضوع در جریان صحبت شان بدون در نظر داشت حضور آقای کشکی - واله و امثالهم چند بار انگشت بلند نموده و سؤالی می خواستم بنمایم!! بالاخره آقای میوند وال حوصله اش تنگ شد و فرمودند آقای فلانی.... چیزی می خواستید بگوئید؟؟ بنده بی صبرانه (چون آنوقت خیلی جوان بودم) پرسیدم:

آقای میوند وال!! وقتی من و امثال من مرتجع و مرتجع می گوئیم منظور ما شما و امثال تان هستید!! حال شما که مرتجع می گوئید!! منظور تان کی ها هستند؟؟ جناب شان فرمودند در اخیر جواب شما را می دهم!!؟؟؟؟ اما متاسفانه سؤالی بود که هرگز جوابی نیافت!!!

آقای پولاد اگر آزرده نشوید همان جمله را به شما یاد هانی می نمایم تا جواب شما در این مورد چی باشد؟؟؟؟

آزاد ل